تربيت اخلاقي اجتماع برمبناي حساسيت اخلاقي: پادتن اجتماعي ويروس كرونا

دكتر محمد حسني[[1]](#footnote-1)

**مقدمه و بیان مسئله**

کرونا پدیده پیچیده‌ای است. این پدیده صرفاً بهداشتی و مرتبط با سلامتی افراد نیست. قدرت تأثیرگذاری این پدیده آن‌چنان زیاد است که می‌تواند نگاه بشریت را به زندگی و هستی تغییر دهد. لذا می‌توان از ابعاد مختلف به بررسی آن پرداخت. ابعاد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و حتی اخلاقی موضوع بسیار جدی و مهم است؛ حتی از پروتکل‌های درمانی و مراقبتی هم بسی جدی‌تر است. کرونا در مناسبات اجتماعی (بین فردی) توسعه می‌یابد. به نظر می‌رسد که بیش از آنکه دنبال تولید پادتن کرونا بگردیم تا بدن‌ها را مصون سازیم، به دنبال پادتن اجتماعی باید بگردیم تا جامعه مصون از شیوع کرونایی شود؛ زیرا ویروس‌ها موجودات عجیبی هستند و این ظرفیت را دارند که با جهش‌های عمدی و غیرعمدی (با مداخلات غیرطبیعی) نسل بشر را درخطر انقراض قرار دهند. به همین دلیل تولید پادتن کرونا و یا داروی درمان آن، راهکاری موقت برای مواجهه با این بلاست. ما باید به دنبال راهبردی باشیم تا نه‌تنها افراد، بلکه جامعه نسبت به این‌گونه فجایع مصونیت پیدا کند.

**توسع معنایی مصونیت از فردی به اجتماعی**

نکته مهم این موضوع در واقعیت طبیعی سرایت ویروس و شیوع بین فردی است. اگر ویروس‌ها دست‌به‌دست نشوند، خطری جوامع را تهدید نمی‌کند. پس باید روی سرایت و شیوع و سازوکارهای فیزیولوژیک و روانی شیوع تمرکز کنیم. متخصصان بهداشت روی سازوکارهای فیزیولوژیک تمرکز می‌یابند. آن را به موضوع مراقبت فردی فرو می‌کاهند. راهکارهایی که می‌دهند مبتنی بر انگیزه‌های فردی، مراقبت و صیانت از سلامت خود یا حداکثر خانواده است. این اگرچه لازم است، اما بی‌تردید این اگرچه لازم است اما کافی نیست. باید به دنبال راهی بگردیم که از طریق بهبود مناسبات بین فردی از شیوع جلوگیری کند. باید دید در مناسبات بین فردی چه راهکاری برای کنترل این‌گونه چالش‌ها وجود دارد که منجر به فجایع نشود.

وقتی دامنه مسئله از فرد به بین افراد کشیده می‌شود. اخلاق به‌عنوان یک پدیده اجتماعی رخ می‌نمایاند؛ بنابراین شیوع کرونا می‌تواند به‌دلیل ماهیت انتشارش که امری بین فردی است، به حوزه اخلاق مرتبط شود. به سخن دیگر مصونیت از مرز فردی گذر می‌کند و وجه اجتماعی نیز پیدا می‌کند. ممکن است فردی به لحاظ فیزیولوژیک با تزریق واکسن کرونا نسبت به آن مصون شود، در وجه اجتماعی نیز جامعه‌ای نیز می‌تواند با روش‌هایی (نه صرفاً فیزیولوژیک) بلکه اجتماعی به‌نوعی مصونیت در برابر اشاعه دست یابد. بر این اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت که اتکا بر اصول اخلاقی و کنش‌ورزی اخلاقی مردمان جوامع مهم‌ترین راهبرد مواجهه با این‌گونه بلایاست که در کلیدواژه سرایت و شیوع اشتراک دارند. مراد از مواجهه اخلاقی، توصیه به عدم احتکار مواد و اقلام بهداشتی موردنیاز، نیست یا حتی تشکیل سمن‌ها برای کمک به پیران و بیماران جامعه و تجلیل از فداکاری‌های جامعه پزشکی و پرستاران نیز نیست که این‌ها در جای خود بسی ارجمند هستند. مراد از کنش ورزی اخلاقی عمیق‌تر آحاد جامعه در سطح انگیزه‌های عالی پایدار شده است که نامش در مباحث فلسفه اخلاق حساسیت اخلاقی است. منظور از حساسیت اخلاقی دغدغه‌مند بودن، وفادار بودن، حسابگری همیشگی و همه‌جایی و برانگیختگی بجا و به‌موقع موافق و هماهنگ با اصول اخلاقی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی است.

**محتوای حساسیت اخلاقی**

حساسیت اخلاقی بدون محتوای مشخص بروز و جلوه بیرونی نخواهد یافت. حال باید دید که حساسیت نسبت به چه اصل اخلاقی می‌تواند عامل مقابله با چنین خطرهاي جمعی باشد که خطر آن در شیوع و سرایت نهفته است. در ادبیات کشور ما که سرشار از مضامین بلند اخلاقی است، اصلی اساسی در اخلاق به چشم می‌خورد که می‌تواند درون‌مایه این حساسیت اخلاقی باشد و جامعه را به سمت سلامتی و نیک بختی ببرد. این اصل با موضوع سرایت و شیوع ارتباط وثیقی نیز دارد. در اصول اخلاقی ما، مردم‌آزاری یک ضد ارزش است. برخی متفکران بر این باورند که ملاک مهم برای حسن اخلاقی یک فعل آن است که پیامدش به آزار و اذیت دیگری منجر نشود. تا جایی که سعدی توصیه می‌کند «میازار موری که دانه‌کش است» یعنی گستره مصداقی این اصل مهم جانوران کوچک چون موران را هم در برمی‌گیرد. در اینجا حساسیت اخلاقی چنین مصدقی پیدا می‌کند که هر فرد نسبت به پیامدها و آثار عملش نسبت به دیگران دغدغه‌مند باشد.

حساسیت اخلاقی یک کنش‌گر اخلاقی با درون‌مایه این اصل اصیل و رکین اخلاقی، در فضای سرایت و شیوع و دست‌به‌دست شدن عامل بیماری چنین معنی می‌دهد که من نباید عملی را انجام دهم که عامل این بیماری را بگیرم و تا منبع انتقال شوم هم‌چنین عمل من باعث شود عامل این بیماری به فرد دیگری منتقل شود یا کاری کنم که زمینه این انتقال فراهم شود؛ زیرا این عمل موجبات آزار دیگران را فراهم می‌سازد. حتی در این مواجهه اخلاقی با چنین پدیده‌ای دلیل مراقبت از خود صرفاً سلامتی خود نیست که البته این مهم است بلکه دلیل مهم‌ترش از منظر کنش‌گر اخلاقی با چنین حساسیتی این است که با بیمارشدنم زمینه زحمت و رنج برای دیگران را فراهم می‌سازم. ظرفیت درمانی محدود جامعه را اشغال می‌کنم و لذا جایی برای درمان دیگران کم می‌شود و بابت هزینه‌هایش جامعه متضرر می‌شود، جان برخی دیگر درخطر می‌افتد. بدیهی است که اگر این جهت‌گیری اخلاقی سطح حساسیت اخلاقی در بین عوام و خواص هماهنگ شود، جامعه روی نیک‌بختی را خواهد دید. این همان پادتن اجتماعی کروناست.

**نتیجه‌گیری و پیشنهاد**

اگر آحاد جامعه به چنین درک و حساسیت اخلاقی نائل آیند، به سهولت می‌توان از گسترش و تبدیل‌شدن این بیماری‌ها به یک فاجعه ملی یا جهانی جلوگیری کرد. شاید برخی تصور کنند که این سخن سهل و ممتنع است. واقعیت این است که این سخن نه سهل است نه ممتنع. ظرفیت‌های اخلاقی انسان‌ها که ما عموماً به زیبایی در این دوران بحران شاهدش هستیم، نشان می‌دهد که این کار ممتنع نیست؛ اما انجام آن سهل هم نیست. کم نیستند انسان‌هایی که ظرفیت‌های اخلاقی‌شان دست‌نخورده و بالقوه باقی‌مانده است. بسیارند انسان‌هایی که ظرفیت حساسیت اخلاقی‌شان فعلیت یافته است و نشر چنین استدلالی برجانشان می‌نشیند و آنها را تبدیل به یک کنشگر اخلاقی می‌کند. درهرصورت کاری است که نیازمند یک اهتمام مشترک محلی، منطقه‌ای، ملی و شاید جهانی است. شاید ویروس‌ها آثارشان فقط کشندگی نباشد و از این طریق و به نحو سلبی نویدبخش و حیات‌بخش برای جوامع نیز باشند؛ آن زمان که چنین پدیده‌هایی موجب تحریک، شکفتن و برکشیدن ظرفیت حساسیت اخلاقی آحاد جامعه شوند. این امر زمانی تحقق خواهد یافت که در جامعه نوعی گفتمان اخلاقی شکل بگیرد و اخلاق از دغدغه‌های اجتماعی اولیه و اساسی آحاد جامعه شود. قدرت تشخیص و ارزیابی موقعیت‌ها از منظر ارزش‌های اخلاقی به‌ویژه عدم آزار دیگری تشدید شود.

1. - دانشيار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش. [↑](#footnote-ref-1)